دار الترجمه خاصه همایونی

اخبار سیاسی
ترجمهٔ میرزا عیسی خان از فرانسه

ترجمهٔ روزنامه‌های مختلفه از فرانسه بفارسی سنه ۱۳۰۱

المان

عدد تحصیل طلاب علوم سه ماهه تابستان سنه ۱۸۸۳ اثبت
دارالعلمهای المان شده بیست و چهار هزار و دویست و پنجاه
و شش نفر بوده است که جزو الف از قرار تفصیل ذیل است

برلن	لیپزیگ	مونیک	برسلو
۲۰۳۲ نفر	۳۰۹۲ نفر	۲۳۹۵ نفر	۱۵۵۹ نفر

هال	توبنگ	بن	کونگ	فورزبورغ	هیدلبرغ
۱۴۱۲ نفر	۱۳۲۳ نفر	۱۱۶۵ نفر	۱۱۰۴ نفر	۱۰۸۰ نفر	۱۰۱۶ نفر
کوتینغ	ماربورغ	سترازبورغ	فریبورغ		
۹۲۹ نفر	۸۲۸ نفر	۸۲۰ نفر	۸۲۳ نفر		

در سنوات سابقه لیپزیگ عدد طلابش از همه شهرهای المان
بیشتر بود امسال برلن با و تقدم جست

مناکو

ایالت مناکو که داخل خاک فرانسه شده است درین سرشماری آخر
عدد نفوسش به نه هزار و یکصد و شصت نفر رسیده بود اینهم
اغلب ملل مختلفه بوده اند در سنه ۱۸۶۶ این مختصر ایالت زیاده
از هزار و هفتصد جمعیت نداشت بالفعل با این عدد رسیده
معلوم میشود که درین پانزده سال مدت جمعیتش شش مقابل
شده است از این جمعیت مناکو سه هزار و سیصد و
چهارده نفرش فرانسه است و مابقی از سایر طوایف

بشرح ذیل

ایطالیائی	انگلیسی	المان	بلژ	سویس	روس
۳۴۳۶ نفر	۳۳۶ نفر	۲۸۸ نفر	۳۰۰ نفر	۲۰۰ نفر	۱۸۲ نفر

اهل خود ایالت از هزار و دویست و سه نفر بیش
نیستند و دایم رو بکمی میروند علت کمی جمعیت اهل این ایالت را
از آن دانسته اند که اهل این ایالت طبعاً کم اولاد میشوند
جهت دیگری هم متعرض شده اند که چون دخترهاشان بیش
از پسرهاست و زائیدن دخترها را عزا و خارجه بزوجیت اختیار
میکنند از انجهة فتور و نقصان در ملیت و نسب انتها بهم
میرسد

پرتغال

عدد مهاجرین پرتغال از (سنه ۱۸۲۰ الی سنه ۱۸۸۱)
یک صد و سی هزار و هشت نفر رسیده که غالباً
به برزیل مهاجرت کرده و دو سه هزار نفری باباتونی

رفته اند بافریقا و آسیا زیاده از سه هزار نفر رفته است
هر چه بافریقا رفته مستقیماً به انگولا وارد شده است
عدد واردین بآسیا بیش از نود و پنج نفر نبوده است

سیبیر

ایالت ساحلیه سیبیر باضافه قصبات و دهات و قرا و نواحی
فراوانی بشرح ذیل دارد
پزنسکا و نوفکی در صفحات ساحلیه خلیج الکا
ولادیمیرفکا و الکساندرفکا در صفحات خلیج امرکا
ولادیوستک و ختوا در کنار خلیج پطر کبیر (پسیرلگران)
پولتافکا و کنستانتینفکا و فادیف و الکیو و
دپوترلوا و دوبکا و باران نفکا و نیکولسکوای
ولسویفوتاسکا و کراتش نیار و رادزن

در اکبر شط سوئیفون کیف جدید در کنار خلیج پیپیت و بهمچنین بیست و شش قریه و قصبه دیگر در سواحل سنقات چاوا قنده نوشتن اسامی الحق اسباب تطویل است

هند

در بمبئی بجز چند نفر پرتغالی از اهل خود پرتغال بهم نرسند ولی بیست هزار نفر تبعه پرتغال زائیده گوا و سایر تصرفات لوزیتانی هند در این شهر عظیم مسکون میباشند

سنگاپور

درین سرشماری آخری عدد نفوس سنگاپور یکصد و سی و نه هزار و دویست و هشت نفر قلمداد شده بود عدد نفوس چینهای آنجا دایم در تزاید و ترقی

و از سایر ملل متفرقات شرح عدد نفوس و سرشماری سنگاپور از قرار ذیل معین شده است

چینی	۸۶۷۶۶ نفر
ملطائی	۲۲۱۵۵ نفر
تامیل	۱۰۵۰۷ نفر
ژاوانه	۵۸۸۵ نفر
ارازی	۳۰۹۴ نفر
فرنگی و امریکائی	۲۲۶۹ نفر
بوآیانز	۲۱۱۱ نفر
بوژی	۲۰۵۴ نفر
بنگاله و هندوهای دیگر	۱۵۵۱ نفر
عرب	۸۳۶ نفر
جاوی پکان	۲۶۲ نفر
یهود	۱۲۲ نفر
اهل سیام	۱۲۳ نفر
مانیلان	۹۰ نفر
ارامنه	۸۰ نفر
برمانی	۵۲ نفر

استرالی

در چهاردهم ماه گذشته ژوئن در بلده البوری جشن بزرگی از برای اتصال خطوط راه آهن ویکتوریا و نوول کال جنوبی برپا کرده بودند خط جدیدشان من حیث فایده چندانی ندارد و زاید از سه میل ممتد نیست

ولی بملاحظهٔ پلتیکیه و تجارتیه فایده‌اش بی‌منتهاست
تا بحال راه آهن شمالی شرقی و کیوریا و راه آهن
جنوبی نوول کال در دو شهر سرحدی توقف میکردند
و انتها سیرشان همان بود خط اولی از فودنگاو
خط دومی از البوری می‌افتاد و مسافرین بایستی از کالسکه‌ها
پیاده شده از رود مورائی با امینبوس عبور نمایند و این
اسباب تضییع وقت و زحمت بزرگی از برای مسافرین
میشد ولی این خط جدید همهٔ این زحمات را موقوف
کرده است و دیگر وقت مردم از خروج از کالسکه
و عبور از رود مورائی با امینبوس ضایع نمیشود
این پل که بر روی رود مورائی بسته‌اند موقتی است
منظورشان این است که پل آهنی بعد از این بر رویش
به بندند

مصر

وضع حالیهٔ مصر همان انقلاب و تو بتو با مضاعف است
در بعضی از روزنامه‌ها انتشار یافته که مهدی با نقشهٔ خیالی
کشیده است رو بمکه میرود با تسخیر تمام جزیرة العرب را تصاحب
خواهد کرد تا به نهر سوئیس میرود دایا خدیو و اهل انگلیس متزلزل
هستند و بهیچ وجه گمان امنیت و استخلاص در خود نمی‌بینند
مگر حمایت انگلیس الحق بطور ضعف اقدام و مبادرت مینمایند
اقدامات مصریها و تزلزل انگلیسها و خیالات وزرای
انگلیس مسئله عمده‌ایست که بعدها در آن باب مذاکره میشود ولی
تلگرافی که به یکی از روزنامه‌های پاریس رسیده وضع حالیه را
بشرح ذیل مینویسد اخبار حرکت سریع متمهدی رو بقاهره
و سوئیس شیوع تامی دارد پس از تصرف قاهره بمکه خواهد رفت

وکلای مصر زیاده از حد متزلزل شده‌اند همینکه شنیدند چند اولهای
قشون متمهدی به خضیر رسیده است (از خضیر تا سویس دو روز راه است)
تقریباً دوازدهم ماه نوامبر بوده است جنرال هیکس خود
و قشونش در کاشقات بالمره معدوم شده‌اند کاشقات
در یکصد کیلومتری در جنوب شهر ابیض واقع است بالفعل که
از دوازده نفر بزرگ مهدی در بربر در کمال استیلا متفرق است
از بربر تا به لوکسر هشتصد کیلومتر است و از لوکسر تا سویس
و از آنجا تا بقاهره زیاده از پانصد کیلومتر نیست که بر هم رفته
هزار و چهارصد کیلومتر میشود که تقریباً مشی مسافرین شهر
مادرید و برگشتن پنجاه که این قشون جرار و سواران نامدار
مهدی در چهل روز میتوانند طی نمایند صاحب مقصود
و مطمح نظر مهدی قاهره و مکه است تا آنجا انشاءالله مهدوی قش
رسما ببعمر باید در قاهره جشن وداعیه که دارند از اینکه

ببینند و زیرا که مراوده بحری بین هندوستان و انگلیس
در نهر سویس ممنوع گردد و بلکه اسباب وحشت میشود
همه جا در خشکی عاکربی اگر متمهدی بلکه خواهند رسید
فقط از نهر سویس خواهند عبور نمود و قسمت خیال میکنند
استعداد مهدی را که در تزاید است و از بربر خیال مکه را دارد
چگونه میتوان هفت هزار قشون انگلیس هم کفایت ممانعت او و هم
کفایت ضبط اسکندریه و قاهره و سویس را میکنند
در روزنامه دیگر مینویسد مخاطرات دیگری نیز روی داده است
از آنجمله درین مورد مزید بر علت شده است و آن خصومت حبشه است
لاینقطع است که طرف بقاهره میرسد حبشیها و وجود عسکر
بطرف مصر مامور کرده‌اند اوّلی لیفالد و دولتی بشواه
انجائی که آمیرال هیقت این اوقات دو توپخانه بحری
برای محافظت فرستاده است این شهر محصور قشون حبشه است

که بلطف غبرون سه داران لشکر است این سردار همان شخص است
که بعد از آنکه داخل در بوکات نتراس شهر رو سوچی بحر احمر مراجعت
کرد و در آن صفحات چوق قشون مصری که سرداری را گرفته بودند
در شواه شکست داد در این جهت جنرال دیگر از ان پادشاه موسوم
به تقله قورزلیش معروف به راس الولا حمله بطوایف و جمعیت مهاجر
آورد و مصریها را در سر راه کلو شکست داد و سواحل را متصرف شد
و خبر فتحش نقب له رسید و آنها را متزلزل نمود تجار حبشه دیگر
بجلکه من آنیه کمرکهای را دوا آنها را روبه غازی تکله دلالتش میکنند
که در انجا بانه تا حکم جدید بانها برسند از همین معانیش تجار
معلوم میشود که از ان پادشاه اقدام در جنگ مصر کرده است
اغلب ایالات از جهت مراوده ممنوع با مصر و مصریان میباشند
چرا که بیست هزار قشون مصری حایل بین شده است و بکلی مراوده
بین سودان شرقی را مقطوع داشته است سر بازخانه غلبه

بهیچ وجه نمیتواند مقاومت با حبشه کند چنانکه سابقا ثابت
مقاومت با متمهدین نزد هزار و جنرال بیکر با پانصد انگلیس
و پنجهزار مصری مسلماً هیچ کاری در این اغتشاش سودان نخواهد
کرد نه در دفع متمهدین خواهد کوشید و نه در منع حبشیان
از قلعه ... نوشته اند بیکر پاشا در سواکن گذشته به خضیر رفته است
و از قمه نوشته اند که از نوبی رسیده تحت سکنه هر دو طرف
نیل بقیه از خروسکو تا به بربر در کمال امنیت در رفاهیت
و کار خود مشغول هستند و تجار در حمل و نقل امتعه خود
بهیچ وجه تشویش نمی‌کشند در این اواخر تجار زیادی از خروسکو
از مهدی استدعای حمایت و رعایت کرده اند که بی تشویش
داخل قبایل و طوایف مختلفه شوند مهدی در جواب گفته بود
که علت غائی بروز و ظهور حقیقت سلامتی امنیت تجار و رعایا
و کسبه است با تشویش بروید و تحفظ نفس نمایند پس از ...

تجاوز حرکت کرده بود بمشایخ اعراب و قبایل نوشته بوده است
که مبادا با این تجاوز روسها وارد بشوند در مال و اموال
آنها طمع برود در کمال دقت نگاهداری از خود و اموالشان
بکنند مبادا آنها را لگدکوب و اداره نمایند
علی ای حال حالت استعداد نقشه خیالی مهدی کاملاً اسباب
تزلزل خیال وکلای مصر و انگلیس شده است با اقدامات انگلیس چه کند

مصر

در روزنامه تریبیک اشعار داده است که وضع حالیه مصر اتفاقاً
مغلوب‌تر و مغشوش‌تر میشود حیرت و وحشت عساکر مصری
اسباب جرئت و پیشرفت کار متمهدی شده است بعد از
شکست هیکس پاشا دولت انگلیس بخدیو تکلیف کرد که سودان را
بمهدی واگذارد و آسوده باشد توفیق پاشا نصیحت
انگلیس را نپذیرفتند و بالصراحه گفتند که اگر انگلیس

این کار را بکند استعفا خواهیم داد و خدیو را هم وادار
بدادن استعفا خواهیم کرد دولت انگلیس از تکلیف خود
پشیمان شد و کجدار و مریز با آنها همراهی نمود تا آخر کار بانجا
کشیده که مهدی سردارهای خود را از برای نقاط مختلفه ارض راه
معین کرده و بآنها دستورالعمل کامل داده روانه نموده است
عنقریب کوس جلالت متمهدی را در کنار نهر سوئس و در دلتا و جده
خواهند نواخت آنوقت نه دوازده هزار قشون انگلیس چاره
خواهد کرد و نه ده هزار و بیست هزار قشون مصری در صدد مدافعه
بر خواهند آمد علی ای حال حواس وکلای مصر مصروف بر این
کار است که دولت عثمانی را بکه دخیل نموده مخارج قشونش را
کفیل شوند ولی دولت عثمانی این تکلیف را قبول نمیکند چرا
که سلطان یا ازین باب وحشت دارد و یا ملاحظات دیگر است که با امره
از فتنه‌هایشان کشتی نیز منصرف شده است و کشتیهایش بمقتضی حرکت

بوده اند مرا با انتظار کرده است پس در اینصورت دولت انگلیس
خواهد ماند و مصریان که با عساکر مهدی زد و خوردهای خواهند
نمود البته قشون هند نیز در سواحل سویس قدرت اسلحه
و فواید قشون نظامی خود شانرا بجنگ متمهدیان خواهند داد

انگلیس

روزنامه تیمس شرحی از ماموریت ژنرال غردن و فواید
که بر این ماموریت مترتب است انتشار داده است مینویسد
ژنرال غردن ماموریت دارد که اول الورود راپرتی درباب
وضع نظامی سودان بانگلیس بفرستد و ثانیاً لوازم اسباب
اطمینان خیال فرنگیهائی که در آنجا هستند فراهم بیاورد
و همچنین بعساکر ساخلو خرطوم اطمینان بدهد که دولت
انگلیس نخواهد گذاشت وهنی بآنها وارد بیاید دیگر

در اشاعه تخلیه سودان و واگذار نمودنش بمتمهدی بکوشد
(باستثنای چند نقطه که در کنار دریا واقع باشند)
در روزنامه مرنیگ مینویسد که خبر ماموریت ژنرال غردن
بسودان خواهد رسید و اسباب تسلیه برای مردم خواهد
شد دولت انگلیس مصمم است که خیالات پلتیکیه اش را
در حق سودان بصورت اجرا در آورد صاحبمنصبان بزرگ
و روسای لشکر و کشور انگلیس بهیچوجه راضی نشده وضع
سودان باین حالت اغتشاش باقی بماند
روزنامه ستاندارد اظهار تاسف میکند که کاش دولت
انگلیس پیشتر باینکار مبادرت کرده و ژنرال غردن را زودتر
ماموریت داده بود
بموجب اخباری که در ۱۸ ژانویه از قاهره رسیده حبشه ها
سوق عسکر میکنند و خندق و مارپیچ در جلو مشواه حفر مینمایند

چنین میگویند که کاپتین فیلدر نزد ژان پادشاه فهمانیده شده با وقت
مصالحه بدهد در نوزدهم ژانویه خبر منتشر شده که شروع در
گفتگوی مصالحه با پادشاه حبشه شده است
ژان پادشاه مقصودش این است که همه ملک بغوس و بندر مصواه را
باو واگذار نمایند والا با مصر خواهد جنگید
دولت مصر نیز از آنطرف میل دارد که ملک بغوس و بندر زولا
را در انتهای کناره مرداب عمیق در صد کیلومتری جنوبی مصواه
واقع است بحبشه واگذارد و بلاغ از پادشاه حبشه خواهش
اتفاق در خصوص با متعهد بنمائید از قاهره چنین
معروف است که این قمه داد با ژان پادشاه سر خواهد گرفت
اگر ژان پادشاه اقدام در جنگ با مصریان نماید چنین معلوم میشود
که با دولت انگلیس خواهد جنگید و دولت انگلیس وحشتی از خصوص
او ندارد با همه این تفصیل با دولت انگلیس مضایقه ندارد از اینکه

مطاع و مختار و بزرگتر از هر قبیله در میان خود قبیله
کسی است که زن متعدد بسیار و گاو و گوسفند بیشماری
داشته باشد تعدد ازدواج در میانشان معمول
و متداول است زنا و بدکاری بالمره در هر جا ممنوع است
و بلکه هیچیک از آنها در صدد خیال این کار هم بر نمی آیند
حرفه عمومی آنها آهنگریست در نسل آنها هیچ
تغییری بهم نرسیده است و بهمان جنسیت اول باقی هستند
باینمعنی که بهمان حالتی که در زمان استیلا و رونق
سلاطین مصر بوده اند باعتقاد من باز باقی میباشند
فقط استیلا و شوکت سلاطین سلف با آنچه قصور سلاطین
از میان رفته است موضوع کنید از زمان قدیم عمارات
و قصور سلطنتی و سایر ابنیه دولتی و قبور محفور از کوه ها
و سنگها و قبور مصنوعی در زیر عمودها هرچه باقی

عجائب از قبیل مساکن مردم و عادات و رسومات
و اسلحه و اثاث البیت و ادوات کار و البسه همان
بوده است که حالا هست در هر صورت میتوان گفت
که از زمان بسیار قدیم تا کنون وضع این مردم
بی تفاوت مانده و تغییری در هیچ حالت و عادت
آنها بهم نرسیده است

ینگی دنیا

یک ترنی که از اندیانوپلیس بنیویورک می آمده در
روی رود موسوم برود سفید در هفت میلی شهر
مزبور خط اتصال از هم گسیخته و ترن داخل در رودخانه
شده و یکسر فرو رفته بود چهارده نفر عمله

این کشیش بیچاره نوکر خودش بوده است این نوکر خائن از اهل
ناپل و هفت سال بوده که بکشیش مقتول بسمت اجیری خدمت
میکرده است جهة قتل نیز پس از تحقیق معلوم شده بود که قاتل
وجهی از مال آقایش دزدیده و از واهمه اینکه مبادا بروز
بکند آقای بیچاره را بقتل رسانیده بود اول بار در حالتی که
کشیش مظلوم در خواب بوده پتوئی بر روی سرش انداخته
خفه اش می کند و بعد چند ضرب کاردی بسر و صورتش
میزند و پس از آن پتو و لحافی را که مقتول بستر خود قرار داده بود
آتش میزند بعد از برای رفع شبهه و برای از نسبت قتل در
همان موضع قتل با حالت تباکی می ایستد و داستانی از برای
آقای مقتولش جعل میکند بانضمام کشیش زن شوهر داری
از اهل ناپل را برای نصب خوابی خود پنهان کرده بود و شوهر
زن ملتفت این معنی شده از ترس دم نمیزده تا وقتی که بتعاقب

کشتن باین شهر آمده و مصاحب زنش را باین تقصیر تعقیب رسانید
پر واضح است که این داستان نوکر جبن و مبهم است
و این نسبت در حق چنین کشیش تهمت است چرا که این کشیش
سزاوار طرف اعتماد دلشون سینیر دخم پاپیش و قبول
عامه دارد و اقدام بکارهای خلاف شرع نمیکرد
در جیب و بغل قاتل چهار صد فرانک از وجه مسروقه یافته
بودند بطمع است که در آن واحد شخص را بقتل و سرقت
و تهمت وا دار نموده و طمع کار را رسوا کرده بپای دار بفرستد

پروس

بحکم امپراطور المان برج ژول واقع در اسپاندو را باز دید
فیما این برج خزانه احتیاطی دولت است دویست و چهل کرور
مارک وجه نقد ازبرای مصارف قشونی در وی گذاشته اند

سه فقره وجه نقد دیگر نیز در آن برج گذاشته شده است فقره
ازبرای ازکار افتادگان و از مصرف حرب محروم و مشرکان حرب
فقره ازبرای استحکامات دولت است و فقره دیگر ازبرای بنای
پارلمنت جدیدی است که دولت سلطنت در نظر دارد دو فقره
محاسب ها آتی برای این بازدید ماموریت دارند والا غیر

انگلیس

از قسمت شرحی که در روزنامه پطرزبورغ انتشار داده اند در دولت
انگلیس انتخابی که عالم مشغله سوداگران میباشند و وضع انتخاب را
خوب میدانند فایده بر ماموریت ژنرال غوردن نمیدانند
(سیر سامئول باکر) کاغذ منتشر نموده که مفادش قدح و عیب شماری
وطرز پولتیک وزارتخانه انگلیس بوده بروزنامه تیمس میگویند
در آن کاغذ نوشته بود که من حق دارم خورده بگیرم بوزرای

که برای انجام مقصود ژنرال غردن را بدون قشون میان
یک ملت که محکوم بخت رسیده فرستاد و دشمن شخص خود ژنرال
و پاشا میفرستد سیر سامؤل باکر مزبور متعرض شده بود که
ژنرال غردن دو رتبه که قبل از ورود بخرطوم کشته شود
عربها بواسطه اخبار روزنامها شنیده اند که ژنرال حامل پول
طلای بسیاریست برای ژنرال این طلا اسباب حمایت
و حراست نخواهد شد ولی اسباب خطر و بلکه هلاکت او خواهد
شد بومیهای آن ملک البته میخواهند آن سکه‌های طلا را تصاحب
نمایند اگرچه بدادن جان باشد نویسنده مزبور تعرض مینماید
که در آخر با رنیز وقت کاری از پس رفتن ژنرال غردن را
وادار بکار غیر مناسب نمایند یعنی حکمرانی یکشتی بلا صاحب
بوی بدهند و در آن حوالی ساختوش نمایند اتوقف و در است هم
کار غلطی کرده خلاف عدالت مرتکب شده از قصد روزنامه

ستاندار ژنرال غردن اعتراف کرده بود جوانی را که با خودش
همراه برده بود و ماموریت داشته با سلطان دارفور
ملاقات نماید و بسی مطالب با او بگوید بواسطه دائم الخمر بودن
از صورت کار را فقاله و اعتباری در کار پیش ژنرال غردن
بکلی بی‌کفایتی و ناقابل او را از برای این ماموریت اعلان
کرده بود

انالونی

در هفت و نهم ماه دسامبر شرح ذیل را از نیویورک به لندن
تلغراف کرده بودند مخاطرات چراغ برقی همه روزه
بر یکی دنیائیها معلوم شده و بمنصه شهود رسیده است از جمله
این تازگیها در نیویورک در یکی از خیابانها چند راس اسب سر برداشته
سیدویدند و در حین دو یکی از پایه‌های چراغ برقی را
انداخته و سیم را بر روی سنگ فرش خیابان زمین گیر نمودند

پای یکی از اسبها بر روی سیم افتاده فوراً اثر برقی
در وجودش سرایت کرده نابودش نمود یکی از عملجات
تنظیفات شهر بدون اینکه ملتفت آسیب بشود سیم را
بلند کرده بود که از راهش خارج نماید وی نیز بصورت اسب
افتاده و فی الفور جان بداد کمپانی چراغ برقی در صدد
رفع این آسیب برآمده میخواهند قوه هادیه را در زیر
زمین نقل و تحویل نمایند

فرانسه

خلاصه سفرنامه ایست که در ماه فوریه میسو فردینان لیپ در زمان
مسافرت و بازدید سوحی نیز نوشته شده است
سکنه سوحی نیز سفید متعدد گشت و زرع میکنند سلاحشان
نیزه است و تیر و کمان و قداره بزرگ راست دو تیغه دسته
و دگنک چوب آبنوس و زلق سه ترکه ها از برای دیگر

میپرانند هیچ یک از قبایل آنجا نوشتن را نمیدانند
و نمیدانند حساب بیدانند وحسابشان هم با حساب کردن ها
چندان تفاوت و فرقی ندارد قوت غالب سکنه هر قسمت
نیز شیر گاو است و برنج است و ارزن و گلم و باقلا و یک
قسم سیب زمینی میباشد زنهای شوهر دار آنها تمام بدن
خود را با پوست گوسفند مستور میدارند مردهای آنها غالباً برهنه
میباشند مسکن آنها در محلاتی که با زمین یکی میشود که پر دود و سقفش
مدور است عقاید غریب و عجیب دارند از جمله در فصل خشک
گاو سفیدی قربان میکنند تا باران بیاید و در فصل باران
گاو سیاهی قربان میکنند و اعتقاد بسلطنه این قربانی گاو سفید
و سیاه در میان همه قبایل سوحی نیز سفید متداول است
و قرار داد دشمن با هم آشتی میکنند هر کدام یک پارچه آهن که
گرد کرده ان صلح و سلم است بر زمین میگیرند و در همان مکانی که

آتش کرده‌اند دفن نمی‌کنند اما در باب دفن مرده‌ها
سکنه نهر نزدیک دو کناره نیل مرده‌ها را به آب نیل می‌اندازند
وآمرزیده آتش ندیده‌اند اما سکنه داخله مرده‌ها را در جلو
خانه‌های آنها به زانو دفن می‌نمایند بر روی قبر رجالشان نیزه
فرو می‌کنند و بر روی قبر نساشان چرخ دوک می‌گذارند
هر شب جمعیتی جمع آورده به رقص و غنا مشغول می‌شوند
غناشان هم برخلاف سازهای اعراب یک نواخت نیست
بلکه تحریر صوت بسیار مطبوعی دارد که هر بیگانه راغب شنیدنش
می‌شود کاری بقانون ندارند ولی پاره قواعد ساده‌ای دارند
که قابل نوشتن است از جمله این است که دزد و قاتل در میانشان
خیلی کم است مگر جنگ خانواده با خانواده و یا طایفه با طایفه
در میان باشد دزد را صاحب مال تنبیه می‌نماید و قاتل را وراث
مقتول جزا می‌دهند

بندر مصواه را بحبشه واگذار نماید ولی مشروط بچند شرط
که از جمله دادن خراج است بمصر و مانع نشدن از اقامت
یکنفر وکیل انگلیس است در این شهر
در این روزنامه نوشته بودند جمعی از داوطلبان انگلیس
بوزارت جنگ اظهار کرده بودند میخواهند در قشون
مصر مشغول خدمت شوند از وزارت جنگ دولت مزبوره
بآنها جواب داده بودند که دولت انگلیس هرگز این اجازه را
نخواهد داد که ملت او در میان قشون مصر باشند ولو بصورت
مصریان درآیند

ینگی دنیا

از اتازونی تلگراف کرده‌اند که دولت چین بکارخانهای تفنگ سازی
نیویرک فرمایش صد هزار قبضه تفنگ ته پر داده است

ایطالیا

از شهر رم تلغراف کرده بودند که علیحضرت فرانسوا ژوزف
امپراطور نمسه در باب احترامات شایسته در حمل ونقل
جنازهٔ ژنرال اسپر از صاحبمنصبان و قشون ایطالیا مبذول
گشته تلغراف تشکر و امتنانی بپادشاه ایطالیا نوشته بود
و در آن تلگرام قید کرده بود که امپراطور نمسه و جمیع اهل نمسه
ممنون مهربانی و لطف پادشاه و سرباز و رعیت ایطالیا
هستند و از خدا توفیق تلافی میخواهند

ایطالیا

در هیجدهم ژانویه از شهر رم خبر رسید که مِن سنیور سنزا نام
کشیش بزرگ صومعه سنت ویرژین معروف قرب شهر ناپل
در شهر رم در منزل خود کشته یافته اند این کشیش غالبا در شهر
رم سکون نبوده فقط یک حجره منزل داشته هر وقت
باین شهر می آمده در وی بیتوته میکرده است قاتل

مقتول و شش نفر مسافر مفقود شده بود

دولت چین

بکارخانهای معتبر لندن فرمایش موشک بحری
بسیاری داده است که بسازند تا کنون چندین کشتی
از این فرمایش ساخته و بچین فرستاده شده است